

بررسی و مقایسه نقش شاخص‌های توسعه اجتماعی در گرایش به سوی اسلام تندرو در آسیای مرکزی*

محسن دیانت

استادیار علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور

مجتبی عباسی قادی

دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم آکادمی تاجیکستان

محمد فرهادی

دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علوم آکادمی تاجیکستان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۹/۲۱)

چکیده

منطقه آسیای مرکزی بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و خلأ قدرت ناشی از آن به سرعت در کانون توجه گروه‌های اسلام‌گرا قرار گرفته است. داعش یکی از گروه‌های تندرو اسلامی است که به شدت بر این منطقه تأثیر گذاشته است. از این رو، نوشتار حاضر در پی بررسی و مقایسه شاخص‌های توسعه اجتماعی پنج کشور هم‌سود قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان در گرایش به گروه داعش بوده است. با این هدف، پس از ارائه رویکردهای نظری برای توصیف و تبیین نظری موضوع، با استفاده از روش کمی و از نوع تحلیل ثانوی، با رجوع به همه اطلاعات مرتبط با شاخص‌های توسعه اجتماعی و گرایش به تندرو مذهبی در پایگاه اینترنتی مؤسسه مطالعات امور بین‌الملل فنلاند (۲۰۱۵) و سایت‌های معتبر کشورهای آسیای مرکزی و روسیه (جامعه آماری) به روش تمام شماری انتخاب و پس از کدگذاری و وزن‌دهی وارد نرم‌افزار اسپاس^۱ کردیم و در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی تحلیل کردیم. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین شاخص‌های توسعه اجتماعی مانند پیشرفت اجتماعی، هزینه‌های آموزشی، هزینه‌های بهداشتی (برحسب تولید ناخالص ملی)، نرخ خاص مهاجرت و جهانی شدن و نیز شاخص کل تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ در پنج کشور مورد بررسی هم‌سود مشاهده شده است. در نتیجه می‌توان گفت که نارسایی در شاخص‌های مختلف توسعه اجتماعی به‌ویژه شاخص پیشرفت اجتماعی، هزینه‌های آموزشی، سرانه هزینه‌های بهداشت و درمان و نرخ بالای مهاجرت (برون کوچی) زمینه‌های گرایش شهروندان کشورهای آسیای مرکزی را به سوی گروه داعش فراهم ساخته است.

کلیدواژه‌ها

آسیای مرکزی، ازبکستان، تندروی مذهبی، تاجیکستان، ترکمنستان، توسعه اجتماعی، جهانی شدن، قرقیزستان، گروه داعش، مهاجرت.

مقدمه

بی‌توجهی به توسعه فرهنگی و اجتماعی در کنار نارسایی‌های توسعه سیاسی و اقتصادی در کشورهای آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد شوروی که با خلأ قدرت و خلأ ایدئولوژیک روبه‌رو بوده‌اند، به‌گونه‌ای دیگر رقم خورده است. این موضوع سبب شد تا مردم منطقه، رویکرد بازگشت به هویت تاریخی و فرهنگی خود را در پیش بگیرند. درحالی‌که خلأ بزرگی در زمینه دینی و مذهبی در میان بود و این مسئله آسیب‌پذیری آن‌ها در گرایش به اسلام اصیل و درست را به نمایش گذاشته بود. به همین دلیل، زمینه مناسب برای گسترش اسلام‌خواهی در منطقه فراهم شد. توسعه اجتماعی - فرهنگی نیافتن به دو شیوه متفاوت بر روند گرایش به اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی تأثیر گذاشته است. از یک‌سو، سبب ناکارآمد جلوه‌کردن دولت - ملت شده است و روند حرکت‌های تندرو - بنیادگرا را تسریع می‌کند؛ از سوی دیگر، کشورهای آسیای مرکزی که با طیف گسترده‌ای از مشکلات جدی اجتماعی روبه‌رو هستند را دچار بروز و گسترش هویت‌یابی‌های قومی و ملی‌گرایی می‌کند. همچنین با توجه به مشکلات فراوان اجتماعی و فرهنگی موجود در منطقه در این کشورها این بار هویت‌یابی‌ها در راستای توجه به ساختارهای اجتماعی منطقه و ارزش‌های ملی و فرهنگی نبوده است؛ بلکه در راستای جهت‌گیری تندروی مذهبی در منطقه حرکت کرده است. بنابراین بعد از آنکه ملی‌گرایی نتوانست خلأ فکری - معنوی موجود در آسیای مرکزی را پر کند؛ گروه‌های تندروی مذهبی توانستند با بهره‌گیری از شیوه‌های تبلیغاتی قوی و فریب عمومی در جهت بهبود کیفیت زندگی شهروندان منطقه در جذب مردم موفق عمل کنند.

دو دلیل اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع را نشان می‌دهد: نخست، کشورهای منطقه می‌توانند در قبال رویدادها منطقه پیش‌دستی کنند، از برنامه‌های تندرو در منطقه آگاهی یابند و با تلاش برای بهبود توسعه اجتماعی و فرهنگی مردم، بتوانند به‌موقع واکنش مناسب نشان دهند؛ دوم، آگاهی از برنامه‌های در نظر گرفته‌شده از سوی گروه‌های بنیادگرا، کشورهای منطقه را به ارائه راهبردهای مناسب سوق خواهد داد. با توجه به این دو نکته، نوشتار حاضر بر آن است تا با رویکرد جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی به تبیین نظری و تجربی شاخص‌های توسعه اجتماعی و گرایش شهروندان کشورهای هم‌سود به تندروی مذهبی و به‌ویژه گروه داعش بپردازد. بنابراین این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا بین شاخص‌های توسعه اجتماعی پنج کشور هم‌سود قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان در گرایش به سوی تندروی مذهبی (داعش) در آسیای مرکزی تفاوت وجود دارد؟

رشد اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی

بنیادگرایی اسلامی گفتمانی است که پیرامون مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است. این گفتمان مدعی است که اسلام راجع به دولت و سیاست نظریه سیاسی دارد. از منظر این گفتمان، بازگشت به اسلام به عنوان تنها راه حل بحران‌ها و چالش‌های معاصر تلقی می‌شود. از این رو، هدف اساسی این گفتمان بازسازی جوامع اسلامی بنابر اصول بنیادین اسلامی است و در این زمینه به دست آوردن قدرت سیاسی، مهم‌ترین دغدغه متفکران و معتقدان به آن برای دستیابی به هدف است. از آنجا که می‌توان گفت اسلام‌گرایی پاسخی به بحران‌های موجود جامعه است، بسته به میزان و شدت بنیادگرایی در طیف گسترده‌ای قابل بررسی است. در سمت معتدل آن توسل روحانی و معنوی و در سمت افراطی آن خشونت انقلابی را می‌توان یافت. به هر میزان که بحران‌های اجتماعی و سیاسی گسترده‌تر باشند پاسخ بنیادگرایان انقلابی‌تر است (Azizkhani, 2009: 62). با توجه به این تقسیم‌بندی می‌توان گفت داعش از طیف دوم و افراطی آن است که نه تنها گروهی تروریستی نیست، بلکه یک سازمان سیاسی و نظامی است که با ارائه تفسیری تندرو از قرآن و سنت به عنوان فلسفه‌ای سیاسی ظهور کرده و با استفاده از روش‌های خشونت‌بار و غیرانسانی به دنبال تحمیل جهان‌بینی خود است. داعش به عنوان سازمانی تروریستی بنیادگرای، «پیوندی» است که در حکم یک بازیگر فرودولتی هم‌زمان در فضاهای نظامی، غیرنظامی و سیاسی عمل می‌کند (Pourahmadi and Abbasi, 2015: 93).

پس از فروپاشی اتحاد شوروی که مانع بزرگی در برابر گسترش فعالیت‌های دینی در سراسر آسیای مرکزی بود، اسلام به عنصری قابل ملاحظه در هویت‌سازی ساکنان آسیای مرکزی، به ویژه نسل جوان تبدیل شده است. اسلام در شرایطی در این منطقه گسترش یافت و توده‌های مردم آن را پذیرفتند که بسیاری از کارشناسان غربی اعتقاد داشتند دین به عنوان نیروی اجتماعی، دیگر جایگاه خود را از دست داده و نمی‌تواند در جوامع نقش‌آفرینی کند. اما گسترش سریع اسلام و تبدیل شدن آن به بخشی جداناپذیر از هویت مردمان آسیای مرکزی این نظریه را باطل کرد. در این شرایط، میزان گرایش مردم آسیای مرکزی به اسلام هر ساله افزایش یافت. مجموعه شرایط متنوعی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، سبب شدند در کنار گسترش اسلام، تهدید تندروی و تروریسم نیز نهادینه شود. گسترش ایده‌های تندرو از دهه ۱۹۹۰ سبب شده است تا قرائت‌های میانه‌رو از اسلام که در منطقه آسیای مرکزی بیشتر مبتنی بر اسلام سنتی هستند به کنار رانده شوند. امروزه گسترش تفکرهای تندرو تهدیدی جدی برای همه جوامع آسیای مرکزی به‌شمار می‌رود (Heathershaw and Montgomery, 2015: 8-10).

تفسیرهای تندروانه از اسلام در زمان‌های مختلفی در مناطق گوناگون آسیای مرکزی ظهور کردند. با اینکه برخی رهبران اسلامی محلی در ازبکستان و تاجیکستان از سال‌های ابتدای دهه ۱۹۹۰ به سوی تندروانه‌شدن رفتند، این موضوع در نیمه دوم سال‌های ۲۰۰۰ در قزاقستان و قرقیزستان پدیدار شد که دلیل آن نیز بازگشت موجی از دانشجویان مدرسه‌های دینی از برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس چون عربستان سعودی و قطر بود. این طلبه‌ها تأثیرهای عمیقی بر نسل جوان طبقه‌های اجتماعی مختلف این کشورها ایجاد کردند. از سویی، از سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ برخی گروه‌های تندروانه از مناطقی چون قفقاز شمالی با برادران خود در قزاقستان و برخی اعضای گروه‌های جنایی زیرزمینی این منطقه، ارتباط برقرار کرده‌اند. اهمیت این موضوع به این دلیل است که امروزه دین نقش بسیار پررنگی در آسیای مرکزی دارد. نقش اسلام در حیات شخصی و اجتماعی ساکنان آسیای مرکزی، صرف‌نظر از نژاد و ملیت این مردمان، به شکل بسیار چشمگیری افزایش یافته است و در آینده نیز با توجه به تهدیدهای ناشی از حضور داعش و تلاش این گروه برای جذب اعضای بیشتر از منطقه آسیای مرکزی و بازگشت این جنگجویان شاهد پیچیدگی‌های خاصی خواهیم بود. آنچه این روند را تشدید خواهد کرد، این است که رژیم‌های آسیای مرکزی چند دهه پس از استقلال به‌جای توسعه پایدار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شاهد ناکارآمدی نظام‌های دولتی، فساد گسترده، سطح پایین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فرایند از میان برداشتن نهادهای مختلف و جایگزینی آن با شبکه‌های غیررسمی به عنوان شکل مسلط سازماندهی در منطقه و همچنین پسرقت در حوزه‌های صنعتی هستند (Diyanat and Others, 2018: 108).

دو کشور قزاقستان و قرقیزستان دیرتر از سایر دولت‌های آسیای مرکزی با تهدیدهای تندروی روبه‌رو شدند. با اینکه فعالیت‌های گروه‌های تندروانه خیلی زود شناسایی شد؛ اما این کشورها تا سال ۲۰۱۰ و وقوع رشته‌ای از اقدام‌های تروریستی از فعالیت گروه‌های تندروانه در آسیای مرکزی تأثیری نپذیرفتند. در نتیجه، دولت قزاقستان با تصویب مجموعه‌ای از قوانین جدید تلاش کرد تا حوزه فعالیت‌های دینی را قانونمند سازد و پیاده‌سازی قوانین نظارت دولتی را بر فعالیت‌های سازمان‌های دینی شدیدتر کند. علاوه بر این، دولت تلاش کرد در نوع نگاه خود، برای این سازمان‌ها اولویت‌هایی قائل شود. قرقیزستان نیز با تصویب قوانین جدیدی در سال ۲۰۰۸، محدودیت‌های بیشتری برای فعالیت سازمان‌های مذهبی ایجاد کرد. مؤسسه امور دینی قرقیزستان یک راهبرد خاص دینی را برای سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ پذیرفت که اولویت‌های ویژه‌ای برای همکاری با جوامع مسلمانان حنفی این کشور قائل شده بود.

برخلاف این سیاست‌های محدودیت‌زا و کنترل‌کننده، سیاست‌های اولیه هرودی این کشورها نسبت به گروه‌های دینی و به‌ویژه مسلمانان به‌مراتب آزادی‌های بیشتری برای آنان

فراهم می‌ساخت. برای نمونه، در ژانویه ۱۹۹۲ و یک ماه پس از استقلال، دولت قزاقستان با تصویب قانونی تلاش کرد، فعالیت سازمان‌های مذهبی را قانونمند سازد. این رویکرد تا حد زیادی به احیای فعالیت‌های دینی در این کشور کمک کرد. با وجود این، با گذر زمان و نفوذ گروه‌ها و اندیشه‌های تندرو به این کشور، بخش‌های زیادی از جامعه در تأثیر تفکرهای تندرو قرار گرفتند. در این شرایط همان‌گونه که گفته شد، دولت‌های کشورهای منطقه تلاش کردند با تصویب قوانین جدید، ضمن محدود کردن فعالیت‌های دینی، نظارت‌های شدیدی را بر سازمان‌های دینی اعمال کنند. فشارهای دولتی در کنار اوضاع نابسامان اقتصادی، فساد گسترده اداری، فساد مقام‌های محلی، زیرساخت‌های نامناسب و مسائل دیگری سبب تقویت گرایش‌های تندرو در میان قشرهای بزرگی از ساکنان آسیای مرکزی و به‌ویژه قشر جوان این منطقه شد که تا حد زیادی به‌واسطه شرایط نامساعد به حاشیه رانده شده بودند (Mahnovski and Others, 2006: 9-15).

از نظر بسیاری از ساکنان آسیای مرکزی اسلام یک میراث ملی است که در دوره اتحاد شوروی سرکوب شده بود. از سوی دیگر، کاهش محدودیت‌های مسافرتی در زمان گورباچف سبب شد تبادل‌های فرهنگی با دیگر ملت‌های مسلمان تسهیل شود. برای نمونه، عربستان سعودی در اواخر دهه ۱۹۸۰ چندین هزار نسخه قرآن به آسیای مرکزی فرستاد. به‌شکل عجیبی جنگ سرد به تشدید خشونت اسلام‌گرایانه کمک کرد که یکی از اصلی‌ترین مشخصه‌های آسیای قرن بیست‌ویکم است. نگرانی‌ها از گسترش تروریسم و فعالیت‌های خرابکارانه سبب شده است هرگونه فعالیت‌های اسلام‌گرایانه در آسیای مرکزی در کانون توجه نیروهای امنیتی قرار بگیرد (Edwards, 2017: 1-2). برای نمونه، می‌توان به فعالیت‌های خرابکارانه تاجیکان در میان نیروهای داعش اشاره کرد. گزارش منتشرشده به‌وسیله مرکز مقابله با تروریسم مستقر در لاهه هلند ادعا می‌کند از دسامبر ۲۰۱۵ تا نوامبر ۲۰۱۶ بیش از ۲۷ تبعه تاجیکستان در عراق و سوریه دست به عملیات انتحاری و تروریستی زده‌اند که در میان همه جنگجویان خارجی گروه داعش با اختلاف زیادی از این لحاظ در رتبه نخست قرار می‌گیرند. این گزارش که با عنوان «جنگ انتحاری: تحلیل آماری صنعت شهادت‌طلبی گروه داعش» منتشرشده است، مبارزه درونی تاجیکستان علیه تندروی و همچنین علت‌های حضور گسترده تاجیک‌ها در میان عامل‌های انتحاری داعش را در کانون توجه خود قرار داده است (Winter, 2017).

وزارت کشور تاجیکستان در ژانویه ۲۰۱۷ اعلام کرد حدود ۱۱۰۰ نفر از اتباع این کشور در عراق و سوریه در صف جنگجویان داعش حضور دارند. از میان حدود سیصد نفر از آنان کشته‌شده‌اند و شصت نفر نیز از آنان به تاجیکستان بازگشته‌اند که بر اساس عفو عمومی صادرشده بخشوده شده‌اند. چارلی ویتتر، نویسنده گزارش فوق معتقد است، نسبت تاجیک‌ها در

مقایسه با دیگر کشورها برای نمونه، تونس با ۶۵۰۰ نفر در داعش و سعودی‌ها با ۲۵۰۰ نفر در این گروه بسیار بیشتر است. این آمار درباره تعداد تاجیک‌هایی که دست به عملیات انتحاری می‌زنند به مراتب بسیار بیشتر است که نشان‌دهنده ناامیدی آن‌ها از شرایط اجتماعی و فرهنگی خود در صورت بازگشت به تاجیکستان است. ویتنر معتقد است، تاجیک‌ها در بسیاری از موارد تنها به دلیل ملیتشان برای اجرای عملیات انتحاری انتخاب می‌شدند (Bezhan, 2017: 1-2).

بر اساس اطلاعات موجود می‌توان گفت شهروندان روسیه و آسیای مرکزی سومین گروه بزرگ جنگجویان داعش را تشکیل می‌دهند. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه (Kremlin.ru, 2015) اعلام کرده حدود ۵ تا ۷ هزار نفر از آسیای مرکزی و روسیه به داعش پیوسته‌اند. گروه سوفان^۱ اعلام کرده است، تعداد جنگجویان این گروه از روسیه و آسیای مرکزی پس از شهروندان خاورمیانه و اروپا در رتبه سوم قرار دارند. این در حالی است که گروه داعش نیز توجه خاصی به این منطقه داشته است. دستگاه تبلیغاتی داعش به شدت در حال افزایش حجم تبلیغات خود در منطقه و به زبان روسی است. زبان روسی سومین زبان پرکاربرد (پس از عربی و انگلیسی) در تبلیغات داعش است. داعش همچنین فایل‌های صوتی، تصویری و کتبی فراوانی به زبان‌های قرقیزی، ازبکی، قزاقی و تاجیکی منتشر می‌کند. شکست‌های نظامی اخیر سبب شده است تا داعش راهبردهای جذب نیروی خود را تغییر دهد. داعش پیوسته به دنبال یافتن شیوه‌های جدیدی برای جذب اعضای جدید از میان شهروندان آسیای مرکزی است و تلاش می‌کند با ارائه تصویری از عدالت اجتماعی در قلمروی خود بر ذهن شهروندان کشورهای آسیای مرکزی تأثیر بگذارد (Kremlin.ru, 2015). به همین دلیل، از دید سیاست‌مداران روسی رشد اسلام‌گرایی تندرو متأثر از تحولات افغانستان و بهار عربی در خاورمیانه مهم‌ترین تهدید کنونی برای کشورهای آسیای مرکزی به حساب می‌آید (Kazanцев, 2016: 3-7). چرا که این گروه‌ها (گروه‌های اسلام‌گرا) با خط‌مشی مبارزه مسلحانه، در پی سرنگونی رژیم‌های غیردینی و از دیدگاه این گروه‌ها جهاد علیه کفار و برقراری حکومت اسلامی هستند. در این مسیر، به اقدام‌هایی مانند گروگان‌گیری، ترور و دریافت کمک‌های خارجی متوسل می‌شوند. نقش این گروه‌ها، برهم‌زدن نظم، ثبات و امنیت در منطقه آسیای مرکزی است (Koolae, 2005: 201-224).

توسعه اجتماعی

موضوع توسعه از موضوع‌هایی است که نه تنها در حوزه جامعه‌شناسی توسعه، بلکه در بسیاری از حوزه‌های جامعه‌شناسی به صورت ویژه و در علوم اجتماعی به صورت عام مورد بحث قرار

می‌گیرد. جامعه‌شناسان توسعه، مقوله توسعه را در برابر مقوله رشد قرار می‌دهند. توسعه اجتماعی در منابع موجود با تعریف‌های متفاوتی به کار رفته است که معرف رویکردهای متفاوتی همچون رهیافت‌های عام و خاص و همچنین تقسیم‌بندی ایدئولوژیک توسعه اجتماعی بر اساس دیدگاه‌های رفاه‌گرا و مارکسیستی است. برای نمونه، نظریه پردازان رفاه‌گرا، به اصل کلی توسعه اجتماعی در حرکت به سوی کیفیت بیشتر زندگی، اعتقادی راسخ دارند. سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد با استناد به گزارش‌های توسعه انسانی - اجتماعی، هدف نهایی توسعه را ارائه فرصت‌های مناسب به مردم برای زندگی بهتر از راه دسترسی به امکانات آموزشی، بهداشتی، رفاهی، تغذیه، مسکن، اشتغال و مانند آن می‌دانند (Azad Armaki and Others, 2012: 10). بر اساس تعریف بانک جهانی «توسعه، به‌ویژه توسعه اجتماعی به مردم، آسایش، رفاه و بهبودی آن‌ها و شکوفاندن قابلیت‌هایشان و تکوین یک جامعه مدنی از سوی آن‌ها مربوط است» (Babaei Fard, 2010: 10, 11). در مقابل این نظر، دیدگاه‌های مارکسیستی بر ارزش‌های مبتنی بر مساوات اجتماعی در بحث توسعه اجتماعی تأکید کرده‌اند. دونگ کیم، توسعه اجتماعی را درجه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که به بیشتر مردم محروم جامعه نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از منابع ملی را می‌دهد؛ بلکه در جهت رسیدن به آن هدف، آن‌ها را یاری می‌کند (Azad Armaki and Others, 2012: 11).

همچنین می‌توان به تقسیم‌بندی‌های دیگری نسبت به توسعه اجتماعی در قالب رویکرد عام‌گرا و خاص‌گرا اشاره کرد. رهیافت عام‌گرا، توسعه اجتماعی مترادف با چیزی مشابه با توسعه ملی یا توسعه همه‌جانبه و متوازن است. در اینجا توسعه اجتماعی از توسعه غیراجتماعی یا فنی متمایز شده است؛ ولی با دیگر انواع توسعه به‌ویژه توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تداخل یافته است. به بیان دیگر، نظریه‌های عام‌گرای توسعه اجتماعی، در درون خویش توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در بر گرفته است و هدف‌ها، راهبردها و برنامه‌های تحقق هدف‌های اجتماعی را بازبینی می‌کند. توسعه اجتماعی با هدف بازبینی و تغییرهای ساختاری و با افزایش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های جوامع، تأکید ویژه‌ای بر تأمین نیازهای اجتماعات انسانی اعم از نیازهای اقتصادی، اجتماعی، بوم‌شناختی، فرهنگی، سیاسی و انسانی دارد. اما در رویکرد خاص‌گرا، مفهوم توسعه اجتماعی به معنای اخص کلمه و متمایز از توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به کار رفته است؛ ولی هنوز شاخص‌ها، ابعاد و معرف‌های آن به‌طور دقیق مشخص نشده‌اند (Azad Armaki and Others, 2012: 11).

اولین سند مهم سازمان ملل متحد در خصوص توسعه اجتماعی مربوط به گزارش سال ۱۹۵۴ گروهی از کارشناسان درباره «تعریف بین‌المللی و سنجش معیارها و سطح‌های توسعه

اجتماعی (که در آن زمان سطح‌های زندگی نام‌گذاری شده بود) است. این شاخص‌ها عبارت‌اند از ۱. بهداشت، شامل شرایط جمعیت شناختی؛ ۲. غذا و تغذیه؛ ۳. آموزش و پرورش شامل مهارت‌آموزی، ۴. شرایط کار؛ ۵. وضعیت اشتغال؛ ۶. مصرف کل پس‌اندازها؛ ۷. حمل و نقل؛ ۸. مسکن شامل تسهیلات خانگی؛ ۹. پوشاک؛ ۱۰. تفریح و استراحت؛ ۱۱. امنیت اجتماعی؛ ۱۲. آزادی‌های بشری (Zahedi Mazandarani, 2007: 257).

مؤسسه غیرانتفاعی پیشرفت اجتماعی در آمریکا نیز شاخص پیشرفت اجتماعی را به این صورت تعریف می‌کند: «ظرفیت یک جامعه که نیازهای اساسی انسانی شهروندان را به شکل شایسته‌ای رفع می‌کند و از راه ایجاد ساختارهایی، به شهروندان و اجتماعات، این فرصت را می‌دهد که کیفیت زندگی خود را حفظ کنند یا افزایش دهند. شرایطی را برای همه افراد جامعه خلق می‌کند که به همه ظرفیت‌هایشان دست پیدا کنند». مقیاس پیشرفت اجتماعی شامل سه بعد است:

الف) میزان رفع نیازهای اولیه: مؤلفه‌هایی همچون مراقبت‌های بهداشتی، وضعیت تغذیه، دسترسی به آب سالم، دسترسی به پناهگاه و مسکن و میزان امنیت شخصی؛

ب) دسترسی به مبانی بهزیستی: مؤلفه‌های دانش عمومی، دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، سلامتی و پایداری و ثبات اکوسیستم؛

ج) دسترسی به فرصت‌ها: مؤلفه‌هایی شامل حقوق شخصی، انتخاب و آزادی فردی، تحمل و ظرفیت مدارا و دسترسی به آموزش پیشرفته در نظر گرفته شده است (Tazary and Others, 2015: 4).

این مقیاس برحسب یک مقدار عددی از ۱ تا ۱۰۰ اندازه‌گیری می‌شود که هرچه این عدد بزرگ‌تر باشد، یعنی شرایط کشور مورد نظر، بهتر است. از سال ۲۰۱۴ تاکنون کشور سوئیس توانسته است در مجموع شاخص بهترین امتیازها را به دست آورد و صدرنشین مقیاس پیشرفت اجتماعی باشد. صندوق بین‌المللی پول، توسعه اجتماعی و اقتصادی پایدار را معلول عامل‌های مشخصی می‌داند که در چشم‌انداز این سازمان نیز بازتاب یافته‌اند. صندوق بین‌المللی پول معتقد است، سیاست‌های اقتصادی کشورها می‌تواند هدف‌های متنوعی داشته باشد؛ اما چند نکته اساسی وجود دارند که بر مبنای تجربه‌های به‌دست‌آمده ارتباط مستقیمی با توسعه اجتماعی دارند. رشد اقتصادی برای توسعه اجتماعی پایدار لازم است. در سال‌های اخیر مفهوم وسیع‌تری از توسعه باکیفیت پدیدار شده است. برای نمونه، در عرصه اقتصاد به ایجاد اشتغال دائم و کاهش فقر منجر می‌شود، برابری درآمدی بیشتری از راه برابری بیشتر فرصت‌ها از جمله برای زنان فراهم می‌کند و ضمن احترام به آزادی‌های انسان از محیط‌زیست نیز حفاظت می‌کند. کاهش تورم و توسعه بخش‌های کشاورزی و روستایی نیز دیگر جنبه‌های توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته هستند (IMF, 2015).

توسعه اجتماعی در آسیای مرکزی

تا زمان فروپاشی اتحاد شوروی، آسیای مرکزی دارای «ملت» در مفهوم غربی آن نبود. دولت‌ها و مجموعه‌های آسیای مرکزی پیش از غلبه روسیه تزاری بر آن‌ها متشکل از ائتلاف‌ها و اتحادهایی شکننده بین گروه‌های قبیله‌ای و در رهبری یک خان بودند که در برخی مناطق کوچ‌رو و در مناطق پرجمعیت دیگر یکجانشین بودند. مرزها به‌خوبی تعیین نشده بود. قومیت دقیق رعیت خان‌ها نیز ارتباط مستقیمی با ترکیب جمعیت و مرزهای همواره در حال تغییر قلمروی آن‌ها نداشت. همه منطقه آسیای مرکزی به دو نوع فرهنگ اصلی تقسیم می‌شد: یک فرهنگ کوچ‌نشین که بیشتر در میان ترکمن‌ها، قزاق‌ها و قرقیزها دیده می‌شد و یک فرهنگ شهری که بر مبنای ستون‌های دوگانه نهادهای دولتی، اداری و نظامی ترکی و ادبیات و آموزش فارسی قرار داشت. همه منطقه آسیای مرکزی از سوی خارجی‌ها و روس‌ها با نام ترکستان شناخته می‌شد. فرهنگ اصلی و مسلط منطقه، اسلامی بود و سهم بسزایی در شکل‌دهی به بخش زیادی از فرهنگ اسلامی در دیگر کشورهای مسلمان به‌ویژه ایران داشت. مناطق به‌شدت قبیله‌نشین بسیار کمتر در معرض آرا و اندیشه‌های اسلامی قرار می‌گرفتند و همچنان فرهنگ سنتی قبیله‌ای و آداب‌ورسوم آن در زیر قشر نازکی از تفکرهای اسلامی بر فضای زندگی کوچ‌نشینی بخش بزرگی از زندگی ساکنان آسیای مرکزی غلبه داشت. در دوره فتح آسیای مرکزی توسط روسیه، چندین خان‌نشین مهم در این منطقه وجود داشتند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به خیوه، بخارا و خجند اشاره کرد. هرچند روسیه این مراکز شهری را به‌طور رسمی اشغال نکرد و در عوض خود اقدام به تأسیس شهرهای بیشتر روس‌نشین جدید مانند تاشکند کرد (Pomfret, 2013: 35-36).

زیر سلطه اتحاد شوروی، سرانجام پنج جمهوری در آسیای مرکزی ایجاد شدند. اسامی انتخاب‌شده برای آن‌ها نماینده «ملت‌ها» نبود؛ بلکه از نام چندین سازمان قبیله‌ای بزرگ گرفته شده بود: ازبک، قرقیز و... تنها تلاش‌های اندکی برای گردآوری قبایل بزرگ درون مرزهای هر یک از این جمهوری‌ها صورت گرفت. البته قرار نبود آن‌ها دولت‌های قومی واقعی باشند؛ بلکه جمهوری‌های اسمی متشکل از اجتماعات سیاسی هستند. آن‌ها در اصل به‌عنوان سازوکاری برای تفرقه و حکومت ایجاد شدند. هرچند جمهوری‌های تازه تأسیس آسیای مرکزی در زمان شکل‌گیری به‌واقع برساخته‌هایی مصنوعی بودند؛ اما پس از نزدیک به هشتاد سال موجودیت به‌شکلی اجتناب‌ناپذیر ویژگی‌هایی متمایز و جدا یافته‌اند که به‌واسطه قلمرو، حزب‌های حاکم و ساختارهای اداری تقویت می‌شوند. رسمیت‌دادن به زبان‌های مختلف در نظام‌های آموزشی هر یک از این کشورها سبب تمایز بیشتر گروه‌های قومی هر یک از آن‌ها و شکل‌دهی به فرهنگ متمایزی شد. در میان این کشورها تنها تاجیک‌ها به زبانی نزدیک به زبان فارسی صحبت می‌کنند که به‌شکل کامل با زبان ترکی مسلط در دیگر کشورهای منطقه تفاوت دارد. این کشورها در ادامه

ارتباط مستقیمی با مسکو برقرار کردند و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه بسیار اندکی بین آن‌ها شکل گرفت. هرگونه تلاش برای همکاری منطقه‌ای از سوی مسکو به‌عنوان تهدید پان‌ترکیسم تلقی و به‌شدت با آن برخورد می‌شد (Fuller, 2013: 22-23).

از سال ۱۹۹۰ جمعیت ساکن در کشورهای آسیای مرکزی شاهد تغییرهایی سریع و ناگهانی در جامعه، شهرنشینی و اقتصاد بوده است. سرعت و مقیاس تغییرهای اقتصادی و اجتماعی در منطقه آسیای مرکزی ناگهانی‌تر از هر منطقه دیگری در دنیا بود که همه ابعاد حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان پنج کشور قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان را در بر گرفت. البته با وجود فراهم کردن امنیت نسبی، جایی برای نوآوری و ابتکار باقی نگذاشت. به‌رغم توفیق سیاست تک‌حزبی در نظام‌های بیشتر اقتدارطلب این منطقه، نهادهای سوسیالیستی در هر دو سطح رسمی و غیررسمی به فعالیت پرداختند که شهروندان به‌وسیله آن‌ها بخشی از خدمات و کالاهای مورد نیاز خود را تأمین می‌کردند. تناقض‌های موجود میان گفتمان و ایدئولوژی رسمی و حزبی این کشورها با اقدام‌ها و فعالیت‌های روزمره سبب ایجاد فساد عمیق و گسترده‌ای شد که چالش بزرگی پیش روی تلاش‌های کنونی برای توسعه است (IMF, 2015).

در برخی کشورها معرفی و اجرای اصلاحات بازار و نهادهای مشارکتی فرصت‌های جدیدی برای نوآوری و رشد فراهم کرده است. در برخی دیگر از کشورهای آسیای مرکزی نیز اصلاحات ناکامل مانعی اساسی در برابر هرگونه تغییرهای مثبت بوده است. در سراسر این منطقه، تغییرهای عمیق سبب تضعیف زمینه‌های پیشین انسجام اجتماعی بوده است. در برخی کشورها این موضوع سبب تضعیف و کم‌رنگ شدن کارآمدی سازوکارهای سنتی خانوادگی و اجتماعی شده است. به‌طور کلی بیشتر کشورهای این منطقه در زمینه توسعه فرهنگی و اجتماعی پیشرفت‌های امیدبخشی داشته‌اند؛ اما فقر فزاینده و به‌حاشیه رانده شدن بخش‌های وسیعی از جمعیت آن‌ها نیز چالش‌هایی اساسی پیش روی آن‌ها قرار داده است (IMF, 2015). آشکار است که این پنج کشور بازمانده جهان سوسیالیسم در جهت مشابهی حرکتی نمی‌کنند و تفاوت‌هایی باهم دارند. در کشورهایی که تغییرهای عمیق را اجرایی کرده‌اند، مرحله گذار به پایان رسیده است و اکنون نهادهای جدیدی در حال شکل‌گیری هستند. به‌طور کلی، هرچند این کشورها در دوره اتحاد شوروی سازمان‌دهی و ساختار سیاسی مشابه داشتند، اما از لحاظ تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و محدودیت‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیک باهم تفاوت‌های عمیقی دارند. در سال ۱۹۹۰ هرچند برخی از رژیم‌های آسیای مرکزی، سطحی از آزادی‌های اجتماعی را در دسترس شهروندان خود قرار دادند؛ اما اکنون بدون ریشه‌کنی فقر گسترده، دستیابی به هدف‌ها و شاخص‌های قوی توسعه اجتماعی مدنظر در این کشورها دشوارتر از همیشه است.

فروپاشی اتحاد شوروی پیشین در سال ۱۹۹۱ سبب شد نظام‌های سوسیالیستی با برنامه‌ریزی متمرکز در آسیای مرکزی به یک دوره گذار به سوی تبدیل شدن به نظام‌های مبتنی بر بازار آزاد در دوره پسا شوروی وارد شوند. نظام بهداشت و درمان این پنج جمهوری نواستقلال نیز دستخوش تحول‌های بسیاری شد. کشورهای منطقه در بحث تأمین هزینه و همچنین آموزش نیروی انسانی وابستگی فراوانی به دیگر کشورها و شریک‌های خود دارند. جمهوری‌های نواستقلال آسیای مرکزی با وجود تفاوت‌هایی که داشتند همگی میراث‌دار اتحاد شوروی بودند؛ در نتیجه حتی الگوهای بیماری نیز در آن‌ها تکرار می‌شد و نرخ بالای بیماری‌های واگیردار و غیرواگیردار و همچنین ایدز به همراه نرخ بالای مرگ‌ومیر کودکان در آن‌ها مشاهده می‌شد. نرخ امید به زندگی که به‌طور میانگین بین ۶۴/۸ و ۶۷/۸ سال در کشورهای منطقه است در مقایسه با اروپای غربی که ۸۰/۴ سال است، کمتر است. بالاترین هزینه بهداشتی و درمانی به ازای هر فرد در میان پنج کشور آسیای مرکزی با ۴۰۵ دلار متعلق به قزاقستان و کمترین هزینه نیز با ۹۳ دلار مربوط به تاجیکستان است. بالاترین نسبت هزینه بهداشت و درمان به تولید ناخالص داخلی با ۶/۵ درصد متعلق به قرقیزستان و ترکمنستان با ۲/۶ تولید ناخالص داخلی رتبه آخر در این شاخص را دارد (Rechel and Others, 2012: 2-7).

علاوه بر آن، مهاجرت در آسیای مرکزی به ویژه مهاجرت نیروی کار برای کشورهای پذیرنده مانند قزاقستان و کشورهای فرستنده نیروی کار که بیشتر کشورهای فقیر منطقه هستند، مزیت‌هایی خوبی دارد. بلافاصله به دنبال استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی به کشورهای مهاجرفرست تبدیل شدند و با خروج نخبگان دانشجویی و جلوگیری نکردن از آن، شاهد فرار گسترده مغزها از این منطقه بودیم. قزاقستان نخستین اقتصادی بود که خود را در مسیر احیا قرار داد و در حدود سال ۲۰۰۰ به مقصد جذاب نیروی کار از دیگر مناطق آسیای مرکزی تبدیل شد. بر اساس گزارش گروه بحران مربوط به ژانویه ۲۰۱۷ دست‌کم بین ۲ تا ۵ هزار نفر از آسیای مرکزی به گروه داعش پیوسته‌اند. شایان توجه اینکه، این افراد که بیشتر نیروی کار خارج از آسیای مرکزی بودند در زمان حضورشان در روسیه و به علت فشارهای اقتصادی به استخدام درآمده‌اند (Rechel and Others, 2012: 3-7).

فرضیه‌های نوشتار

در پاسخ به پرسش نوشتار این فرضیه‌ها طرح می‌شوند:

الف) فرضیه کلی

بین شاخص‌های «توسعه اجتماعی» کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است تفاوت معناداری وجود دارد.

ب) فرضیه‌های جزئی

۱. بین شاخص «پیشرفت اجتماعی» کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است، تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. بین شاخص «هزینه‌های بهداشتی» کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است تفاوت معناداری وجود دارد.
۳. بین شاخص «مهاجرت خالص» کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است، تفاوت معناداری وجود دارد.
۴. بین شاخص «جهانی‌شدن» کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است، تفاوت معناداری وجود دارد.
۵. بین شاخص «هزینه‌های آموزشی» کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است، تفاوت معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی نوشتار

نوشتار حاضر از نظر ماهیت در زمره نوشتارهای توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای قلمداد می‌شود. علاوه بر این به‌منظور گردآوری داده‌های پژوهش از تحلیل ثانوی و به‌ویژه با رجوع به آمار و ارقام منتشرشده در سایت مؤسسه مطالعات بین‌الملل فنلاند (۲۰۱۵) انجام شده است. پس از گردآوری داده‌های خام در رابطه با نرخ شاخص‌های اقتصادی و رتبه آنان در مقیاس جهانی و تطابق آن رتبه‌ها از نظر رتبه‌بندی پنج‌گانه در میان پنج کشور مورد بررسی هم‌سود یعنی قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان، داده‌ها به نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^۱ منتقل و در دو بخش توصیفی و استنباطی تحلیل شدند.

یافته‌های نوشتار

در این بخش داده‌های مؤسسه مطالعات امور بین‌الملل فنلاند (۲۰۱۵) درباره شاخص‌های توسعه اجتماعی کشورهای مورد بررسی آسیای مرکزی که داعش از آنان عضوگیری کرده است را تحلیل توصیفی و استنباطی می‌کنیم.

الف) تحلیل توصیفی

در این مرحله، توزیع فراوانی تعداد جنگجویان داعش از مناطق مختلف کشورهای هم‌سود و نیز تحلیل توصیفی شاخص‌های توسعه اجتماعی این کشورها ارائه می‌شود. جدول

۱، توزیع فراوانی تعداد جنگجویان داعش از مناطق مختلف کشورهای هم‌سود را نشان می‌دهد.

جدول ۱. توزیع فراوانی تعداد جنگجویان داعش از مناطق مختلف کشورهای هم‌سود

کشورها	فراوانی	درصد فراوانی
قرقیزستان	۱۰۰	۷/۱
تاجیکستان	۱۹۰	۱۳/۶
قزاقستان	۲۵۰	۱۷/۹
ترکمنستان	۳۶۰	۲۵/۷
ازبکستان	۵۰۰	۳۵/۷
تعداد کل	۱۴۰۰	۱۰۰/۰
نما: ۵ (ازبکستان)		

Source: Authors

همان‌گونه که توزیع فراوانی جدول ۱ نیز نشان می‌دهد، تعداد جنگجویان داعش از مناطق مختلف کشورهای هم‌سود به ترتیب: قرقیزستان با ۷/۱ درصد، تاجیکستان با ۱۳/۶ درصد، قزاقستان ۱۷/۹ درصد، ترکمنستان با ۲۵/۷ درصد و ازبکستان با ۳۵/۷ درصد بوده است. همان‌گونه که آماره‌نما نیز نشان می‌دهد کشور ازبکستان بیشترین تعداد جنگجو در داعش را در میان پنج کشور بررسی شده دارد. جدول ۲ توزیع شاخص‌های توسعه اجتماعی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای هم‌سود را نشان می‌دهد که داعش از آنان عضوگیری کرده است. همان‌گونه که توزیع شاخص‌های توسعه اجتماعی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای هم‌سود که داعش از آنان عضوگیری کرده است (جدول ۲) نشان می‌دهند:

الف) کشورهای قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص «پیشرفت اجتماعی» را در میان کشورهای هم‌سود در عضوگیری داعش دارند.

ب) کشورهای قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان و ترکمنستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص «هزینه‌های بهداشتی» را برحسب تولید ناخالص ملی در میان کشورهای هم‌سود در عضوگیری داعش دارند.

ج) کشورهای قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و قرقیزستان به ترتیب بیشترین تا کمترین شاخص «نرخ خالص مهاجرت» را در میان کشورهای هم‌سود عضوگیری داعش دارند.

د) کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان به ترتیب بیشترین تا کمترین شاخص «جهانی‌شدن» را در میان کشورهای هم‌سود در عضوگیری داعش دارند.

ه) کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان و قزاقستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص «هزینه‌های آموزشی» را برحسب تولید ناخالص ملی کشورهايشان را در میان کشورهای هم‌سود در عضوگیری داعش دارند.

جدول ۲. توزیع شاخص‌های توسعه اجتماعی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای هم‌سود

در عضوگیری داعش

شاخص‌های توسعه اجتماعی	قزاقستان			ازبکستان			ترکمنستان			قرقیزستان			تاجیکستان		
	رتبه	جهانی	نرخ	رتبه	جهانی	نرخ	رتبه	جهانی	نرخ	رتبه	جهانی	نرخ	رتبه	جهانی	نرخ
امتیاز شاخص پیشرفت اجتماعی	۱	۸۳	۶۱/۳۸	۲	۹۰	۵۹/۸۱	-	-	-	۳	۹۳	۵۶/۴۹	۴	۹۶	-
امتیاز شاخص بهداشتی (برحسب تولید ناخالص ملی)	۴	۱۵۷	۴/۳۰	۲	۱۱۸	۵/۹۰	۵	۱۹۰	۲/۰۰	۱	۷۷	۵/۸۰	۳	۱۲۰	۱۲۰
امتیاز شاخص خاص مهاجرت ^۱	۱	۷۲	۰/۴۲	۴	۱۷۳	-۷/۴۶	۳	۱۶۴	-۱/۸۶	۵	۱۹۹	-۱/۱۷	۲	۱۵۲	۱۵۲
امتیاز شاخص جهانی شدن	۱	۷۶	۶۰/۸۶	۴	۱۴۹	۴۲/۳۴	۵	۱۶۷	۳۷/۹۶	۲	۹۹	۴۵/۰۲	۳	۱۳۷	۱۳۷
شاخص هزینه‌های آموزشی (از تولید ناخالص ملی)	۳	-	۳/۱۰	-	-	-	-	-	-	۱	-	۳/۹۰	۲	-	-

Source: Dyner and Others, 2015.

۱. عدد مثبت بیانگر ورود مهاجر و عدد منفی بیانگر خروج مهاجر است.

ب) تحلیل استنباطی

در این مرحله آزمون فرضیه‌های نوشتار، از تحلیل استنباطی و از نوع تحلیل مقایسه‌ای (آزمون تفاوت معناداری) استفاده شده است:

۱. فرضیه کلی نوشتار

بین شاخص‌های توسعه اجتماعی کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است تفاوت معناداری وجود دارد. جدول ۳، توزیع رتبه امتیاز شاخص‌های توسعه اجتماعی را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو داعش نشان می‌دهد.

جدول ۳. توزیع رتبه امتیاز شاخص‌های توسعه اجتماعی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای

هم‌سود عضو داعش

آزمون کروسکال والیس					کشورهای هم‌سود عضو داعش	عامل
sig	df	مقدار کی دو	میانگین رتبه‌ها	تعداد جنگجویان		
۰/۰۰۰	۲	۵۳۹/۰۰۰	۱۴۵/۵۰	۱۰۰	قرقیزستان	شاخص‌های توسعه اجتماعی
			۱۴۵/۵۰	۱۹۰	تاجیکستان	
			۴۱۵/۵۰	۲۵۰	قزاقستان	
				۵۴۰	نمونه کل	

Source: Authors.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۳، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی‌دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه امتیاز عامل «توسعه اجتماعی» برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که قزاقستان بیشترین و قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب کمترین رتبه امتیاز عامل «توسعه اجتماعی» را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو داعش نشان دادند. با توجه به آنچه بیان شد، فرضیه کلی نوشتار مبنی بر اینکه بین شاخص‌های «توسعه اجتماعی» کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است تفاوت معناداری وجود دارد؛ تأیید می‌شود.

۲. فرضیه‌های جزئی نوشتار

۱. بین شاخص «پیشرفت اجتماعی» کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است تفاوت معناداری وجود دارد. جدول ۴، توزیع رتبه شاخص «پیشرفت اجتماعی» را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش نشان می‌دهد.

جدول ۴. توزیع رتبه شاخص پیشرفت اجتماعی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش

آزمون کروسکال والیس					کشورهای هم‌سود عضو داعش	شاخص
sig	df	مقدار کی دو	میانگین رتبه‌ها	تعداد جنگجویان		
۰/۰۰۰	۳	۱۰۳۹/۰۰۰	۲۴۰/۵۰	۱۰۰	قرقیزستان	شاخص پیشرفت اجتماعی
			۹۵/۵۰	۱۹۰	تاجیکستان	
			۹۱۵/۵۰	۲۵۰	قزاقستان	
			۵۴۰/۵۰	۵۰۰	ازبکستان	
				۱۰۴۰	نمونه کل	

Source: Authors.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۴، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه شاخص «پیشرفت اجتماعی» برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که کشورهای قزاقستان و ازبکستان به ترتیب بیشترین و کشور تاجیکستان و قرقیزستان به ترتیب کمترین رتبه شاخص «پیشرفت اجتماعی» را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو داعش نشان دادند. بنابراین فرضیه نوشتار در رابطه با این شاخص تأیید می‌شود.

۲. بین شاخص «هزینه‌های بهداشتی» کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است، تفاوت معناداری وجود دارد. جدول ۵، توزیع رتبه شاخص «هزینه‌های بهداشتی» را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو داعش نشان می‌دهد.

جدول ۵. توزیع رتبه شاخص هزینه‌های بهداشتی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو داعش

آزمون کروسکال والیس					کشورهای هم‌سود عضو داعش	رتبه شاخص بهداشتی
sig	df	مقدار کی دو	میانگین رتبه‌ها	تعداد جنگجویان		
۰/۰۰۰	۴	۱۳۹۹/۰۰۰	۱۳۵۰/۵۰	۱۰۰	قرقیزستان	
			۷۵۰/۵۰	۱۹۰	تاجیکستان	
			۴۸۵/۵۰	۲۵۰	قزاقستان	
			۱۸۰/۵۰	۳۶۰	ترکمنستان	
			۱۰۵۰/۵۰	۵۰۰	ازبکستان	
				۱۴۰۰	نمونه کل	

Source: Authors.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۵، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه شاخص «هزینه‌های بهداشتی» برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که کشورهای قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین و کشورهای ترکمنستان و قزاقستان به ترتیب کمترین رتبه شاخص «هزینه‌های بهداشتی» را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش نشان دادند. در نتیجه، فرض نوشتار در رابطه با این شاخص تأیید می‌شود.

۳. بین شاخص «مهاجرت خالص» کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است، تفاوت معناداری وجود دارد. جدول ۶، توزیع رتبه شاخص «مهاجرت خالص» را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش نشان می‌دهد.

جدول ۶. توزیع رتبه شاخص مهاجرت خالص برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو داعش

آزمون کروسکال والیس					کشورهای هم‌سود عضو داعش	رتبه شاخص مهاجرت خالص
sig	df	مقدار کی دو	میانگین رتبه‌ها	تعداد جنگجویان		
۰/۰۰۰	۴	۱۳۹۹/۰۰۰	۵۰/۵۰	۱۰۰	قرقیزستان	
			۱۰۵۵/۵۰	۱۹۰	تاجیکستان	
			۱۲۷۵/۵۰	۲۵۰	قزاقستان	
			۷۸۰/۵۰	۳۶۰	ترکمنستان	
			۳۵۰/۵۰	۵۰۰	ازبکستان	
				۱۴۰۰	نمونه کل	

Source: Authors.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۶، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه شاخص «مهاجرت خالص» برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که کشورهای قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان به ترتیب بیشترین و کشورهای قرقیزستان و ازبکستان به ترتیب کمترین رتبه شاخص «مهاجرت خالص» را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود داعش نشان دادند. بنابراین فرض نوشتار در رابطه با این شاخص تأیید می‌شود.

۴. بین شاخص «جهانی شدن کشورهای هم‌سود» که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است تفاوت معناداری وجود دارد. جدول ۷، توزیع رتبه شاخص «جهانی شدن» را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود داعش نشان می‌دهد.

جدول ۷. توزیع رتبه شاخص جهانی شدن برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو

داعش

آزمون کروسکال والیس					کشورهای هم‌سود عضو داعش	رتبه
sig	df	مقدار کی دو	میانگین رتبه‌ها	تعداد جنگجویان		
۰/۰۰۰	۴	۱۳۹۹/۰۰۰	۱۱۰/۵۰	۱۰۰	قرقیزستان	رتبه نشان دهند
			۹۵۵/۵۰	۱۹۰	تاجیکستان	
			۱۲۷۵/۵۰	۲۵۰	قزاقستان	
			۱۸۰/۵۰	۳۶۰	ترکمنستان	
			۶۱۰/۵۰	۵۰۰	ازبکستان	
				۱۴۰۰	نمونه کل	

Source: Authors.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۷، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه شاخص «جهانی شدن» برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که کشورهای قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین و کشورهای ترکمنستان و ازبکستان به ترتیب کمترین رتبه شاخص «جهانی شدن» را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود داعش نشان دادند. بنابراین فرض نوشتار در رابطه با این شاخص تأیید می‌شود.

۵. بین شاخص «هزینه‌های آموزشی» کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است، تفاوت معناداری وجود دارد. جدول ۸، توزیع رتبه شاخص «هزینه‌های آموزشی» را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود داعش نشان می‌دهد.

جدول ۸. توزیع رتبه شاخص هزینه‌های آموزشی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو داعش

شاخص	کشورهای هم‌سود عضو داعش	آزمون کروسکال والیس			
		تعداد جنگجویان	میانگین رتبه‌ها	مقدار کی دو	
sig	df				
۰/۰۰۰	۲	۵۳۹/۰۰۰	۴۹۰/۵۰	۱۰۰	قرقیزستان
			۳۴۵/۵۰	۱۹۰	تاجیکستان
			۱۲۵/۵۰	۲۵۰	قزاقستان
				۵۴۰	نمونه کل

Source: Authors.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۸، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد، بین رتبه شاخص «هزینه‌های آموزشی» برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین و کشور قزاقستان کمترین رتبه شاخص «هزینه‌های آموزشی» را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش نشان دادند. در نتیجه، فرض نوشتار در رابطه با این شاخص تأیید می‌شود.

نتیجه

نوشتار حاضر باهدف بررسی و مقایسه شاخص‌های توسعه اجتماعی در گرایش به سوی تندر و مذهبی در آسیای مرکزی (مورد مطالعه: پنج کشور هم‌سود قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان) انجام شد. از این منظر، پس از گسترش فضای مفهومی تندر و مذهبی و انواع آن و نیز بیان تندر و مذهبی در آسیای مرکزی با استفاده از رویکرد توسعه‌ای در معنای خاص به تبیین نظری موضوع پرداختیم. یافته‌های نوشتار حاضر نشان می‌دهند که از میان پنج کشور مورد بررسی، کشورهای قرقیزستان با ۷/۱ درصد، تاجیکستان با ۱۳/۶ درصد، قزاقستان با ۱۷/۹ درصد، ترکمنستان با ۲۵/۷ درصد، ازبکستان با ۳۵/۷ درصد به ترتیب بیشترین تا کمترین تعداد جنگجو را در گروه داعش داشتند. همچنین در تحلیل استنباطی در بخش تحلیل مقایسه‌ای مشخص شد که تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ براساس آزمون کروسکال والیس، بین شاخص‌های توسعه اجتماعی همچون پیشرفت اجتماعی، هزینه‌های بهداشتی (برحسب تولید ناخالص ملی)، نرخ خاص مهاجرت، جهانی‌شدن و هزینه‌های آموزشی در گرایش به سوی اسلام‌گرایی تندر و مشاهده شده است. علاوه بر آن،

تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ براساس این آزمون بین شاخص کل توسعه اجتماعی در گرایش به سوی تندروی مذهبی مشاهده شده است. در نتیجه، همه فرضیه‌های نوشتار تأیید شدند. با توجه به تبیین نظری و تبیین تجربی نوشتار حاضر، می‌توان نتیجه گرفت که پس از فروپاشی ایدئولوژی کمونیستی فراملی‌گرایی و سیاست ملی وابسته به آن که تا اندازه‌ای منافع اقوام مستقر در کشورهای آسیای مرکزی، در دوران اتحاد شوروی را به‌نظام درآورد، جوامع دارای کثرت قومی مسلمان از چنین تنظیم‌گری مهمی بی‌نصیب ماندند. توسعه نامتوازن حاکم بر کشورهای هم‌سود در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پس از فروپاشی اتحاد شوروی خود را به‌وضوح نشان داده است؛ بنابراین ضعف‌های توسعه‌ای آن در ابعاد مختلف نتوانست؛ پاسخ‌گوی نیازهای شهروندان و جامعه باشد. در این میان، به‌دلیل پایین‌بودن شاخص‌های پیشرفت اجتماعی همچون تأمین نیازهای اولیه، دسترسی به بهداشتی و رفاه و نیز دسترسی به فرصت‌ها و پایین‌بودن هزینه‌های آموزش و بهداشت و درمان، شهروندان کشورهای آسیای مرکزی به‌ناچار برای تأمین کمترین سطح رفاه و سلامتی زندگی خود و خانواده‌شان به مهاجرت به سایر کشورها ویژه فدراسیون روسیه روی آوردند. این مسئله در کنار حاکم‌بودن شرایط اقتصادی بازار آزاد و تشدید آن به‌واسطه فرایند جهانی‌شدن و شکاف بین‌اقتضای مختلف جامعه دوجندان می‌نمود. در چنین وضعیتی، ایدئولوژی اسلامی که افراد را نه از روی رابطه قومی بلکه همچون قوه متحدکننده‌ای جمع می‌کند، در کشورهای آسیای مرکزی با استقبال روبه‌رو شد و همچون واسطی سبب تنظیم‌شدن روابط بین اقوام شد. جنبش‌های اسلامی به‌تدریج رنگ ملی خود را از دست دادند و بیشتر جهت‌گیری اسلامی به خود گرفتند. در نتیجه، شرایط اقتصادی و اجتماعی روبه‌وخامت در منطقه آسیای مرکزی و ناتوانی دولت‌مردان این منطقه برای رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی به همراه، سرکوب شدید به تقویت روند اسلام‌گرایی در منطقه افزود. این شرایط در آسیای مرکزی وضعیتی را پدید آورده است که در آن گروه‌های تندرو مذهبی توانستند با تبلیغات چندلایه و گسترده در میان مردم سرخورده و مورد تبعیض قرارگرفته منطقه، آن‌ها را جذب کنند.

References

A) English

1. Bezhan, Frud (2017), "Tajikistan's Deadly Export", **Radio Free Europe**, Available at: <https://www.rferl.org/author/91962.html?page=4>, (Accessed on: 12/4/2018).
2. Dyner, Anna and Others (2015), "Ready to Go? ISIS and its Presumed Expansion into Central Asia", **Polski Instytut Spraw Międzynarodowych (PISM)**, No. 19 (121), Available at: [https://www.files.ethz.ch/isn/192428/PISM%20Policy%20Paper%20no%2019%20\(121\).pdf](https://www.files.ethz.ch/isn/192428/PISM%20Policy%20Paper%20no%2019%20(121).pdf), (Accessed on: 12/6/2016).

3. Edwards, Maxim (2017), "Meet Tajikistan's Embattled Islamists", **Open Democracy Institution**, Sep. 28, pp. 1-2, Available at: www.opendemocracy.net/.../maxim-edwards/meet-tajikistan-s-embattled-islamists, (Accessed on: 5/7/2018).
4. Fuller, Graham E. (2013), "Central Asia: the New Geopolitics", **National Defense Research Institute**, RAND Corp., Available at: www.amazon.com/Central-Asia-Geopolitics-Graham-Fuller/dp/0833012711, (Accessed on: 15/5/2018).
5. Heathershaw, John and David W. Montgomery (2015), "The Myth of Post-Soviet Muslim Radicalization in the Central Asian Republics", **Chatham House**, The Royal Institute of International Affairs, pp. 8-10. Available at: https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/field/field_document/2014-11-14%20Myth%20summary%20v2b.pdf, (Accessed on: 10/5/2018).
6. **IMF** (2015), "Sustained Economic and Social Development: the IMF's Perspective", Available at: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/pam/pam47/pam4702.htm>, (Accessed on: 19/6/2018).
7. Mahnovski, Sergei, Kamil Akramov and Theodore Karasik (2006), "Economic Dimensions of Security in Central Asia", **Project Air Force**, Available at: <https://www.rand.org/pubs/monographs/MG417.html#download>, (Accessed on: 11/6/2018).
8. Pomfret, Richard (2013), "Central Asia since 1991: the Experience of the New Independence States", Available at: <https://econpapers.repec.org/paper/oecdevaaa/212-en.htm>, (Accessed on: 2/7/2018).
9. Rechel, B., M. Ahmedov, B. Akkazieva, A. Katsaga, G. Khodjamurodov and M. McKee (2012), "Lessons from two Decades of Health Reform in Central Asia", **Health Policy and Planning**, Vol. 27, No. 4, pp. 281-287, Available at: <https://academic.oup.com/heapol/article/27/4/281/604711>, (Accessed on: 2/4/2017).
10. Winter, Charlie (2017), "War by Suicide: a Statistical Analysis of the Islamic State's Martyrdom Industry", **International Center for Counter-Terrorism – The Hague**, Available at: <https://icct.nl/wp-content/uploads/2017/02/ICCT-Winter-War-by-Suicide-Feb2017.pdf>, (Accessed on: 15/6/2018).

B) Persian

1. Azad Armaki, Taghi, Mahdi Mobaraki and Mahdi Shahbazi (2012), "Studying and Recognizing the Functional Indicators of Social Development (Using Delphi Technique)", **Social and Cultural Studies**, Vol. 1, No. 1, pp. 7-30.
2. Azizkhani, Ahmad (2009), "A Study of the Indicators of Christian Fundamentalism in the US (according to the Leo Strauss Ideas)", **Religion and Politics**, Nos. 19-20, pp. 61-88.

3. Babaei Fard, Assadollah (2010), "Cultural Development and Social Development in Iran", **Social Well-Being**, Vol. 10, No. 37, pp. 7-56.
4. Diyanat, Mohsen, Mohammad Farhadi and Mojtaba Abbasi Ghadi (2018), "An Analysis of the Relationship between Economic Indicators and Tendency toward Radical Islam in Central Asia (Case Study: Daesh)", **Central Eurasia Studies**, Vol. 11, No. 1, pp. 101-121.
5. Koolae, Elaheh (2005), "The Bases of Fundamentalism in Central Asia", **Journal of Faculty of Law and Political Sciences**, University of Tehran, No. 67, pp. 201-224.
6. Pourahmadi, Hossein and Bahram Abbasi (2015), "International Political Economy and the Advent and Function of Daesh in the Middle East", **Political and International Approaches**, No. 43, pp. 91-117.
7. Tazari, Taghi and Others (2015), "The Indices of Social Development in 2014", **The Ministry of Cooperatives, Labor, and Social Welfare**, The Deputy of Social Welfare, The Office of Social Welfare Studies, Report No. 30, Available at: https://pm.mcls.gov.ir/icm_content/media/article/21_orig_0.pdf, (Accessed on: 15/6/2017).
8. Zahedi Mazandarani, Mohammad Javad (2007), **Development and Inequality**, Tehran: Maziyar.

C) Russian

1. "Заседание Совета Глав Государств СНГ" (2015), Окт. 16, **Kremlin.ru**, Available at: <http://kremlin.ru/events/president/transcripts/50515>, (Accessed on: 15/6/2018).
2. Казанцев, Андрей (2016), "Центральная Азия: Светская Государственность перед Вызовом Радикального Ислама", Available at: www.globalaffairs.ru/valday/Tcentralnaya-aziya-svetskaya-gosudarstvennost-pered-vyzovom-radikalnogo-islama-179596, (Accessed on: 11/5/2017).